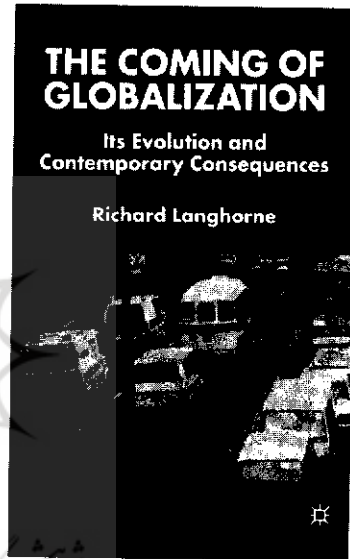


### الف) معرفی اجمالی کتاب

کتاب "ظهور جهانی شدن: تکامل و پیامدهای معاصر آن" نوشته پروفسور ریچارد لنگهورن در سال ۲۰۰۱ میلادی توسط انتشارات پالگریو (وابسته به انتشارات مک میلان) در ۱۵۵ صفحه منتشر شده است. کتاب دارای یک پیشگفتار و چهار فصل است و فصل دوم و سوم را باید بدنه اصلی مباحث آن تلقی نمود. فصل اول کتاب با عنوان "مقدمه: سرآغازها و اهمیت جهانی شدن"، در ۱۴ صفحه، فصل دوم با عنوان "جوامع، حکومت‌ها و اقتصاد جهانی" در ۵۱ صفحه، فصل سوم با عنوان "مکانیسم‌های روابط جهانی" در ۶۵ صفحه و فصل آخر با عنوان "نتیجه‌گیری" در ۱۷ صفحه ارائه شده است. نویسنده کتاب می‌کوشد تا علل و مراحل تاریخی جهانی شدن و نیز فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از جهانی شدن اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را ترسیم و تشریح کند.

۱- این فصل همراه با نمایه کتاب بدون هزینه از سایت انتشارات پالگریو قابل دریافت است:  
<http://WWW.Palgrave.com>



### معرفی و نقد کتاب:

### ظهور جهانی شدن؛ تکامل و پیامدهای کنونی آن

ریچارد لنگهورن

Richard Langhorne, (2001), *The Coming of Globalization, Its Evolution and Contemporary Consequences*, Hampshire, UK & New York: Palgrave, Pages: 155.

استاد علوم سیاسی در دانشگاه راتگرز، نیوجرسی آمریکا<sup>۳</sup> و بنیانگذار و مدیر "مرکز تغییر جهانی و حکومت"<sup>۴</sup> وابسته به همان دانشگاه می‌باشد.

وی در عرصه تألیف، گذشته از چند نقد کتاب یا مقاله در نشریات و مجموعه‌ها، تنها یک جلد کتاب تألیفی و سه جلد کتاب ویراستاری شده (به‌تنهایی یا مشترک) دارد. پروفیسور لنگهورن قبل از کتاب ظهور جهانی شدن، تنها یک جلد کتاب تألیفی را با عنوان "سقوط کنسرت اروپا: سیاست بین‌الملل ۱۹۱۴-۱۸۹۰" در سال ۱۹۸۱ منتشر کرده است. کتاب "دیپلماسی و جاسوسی در طول جنگ جهانی دوم: مقالاتی در گرامیداشت اف. اچ. هینسلی" با ویراستاری وی در سال ۱۹۸۵ و دو جلد کتاب دیگر در عرصه روابط بین‌الملل با همکاری کیت همیلتون در سال ۱۹۹۵ و مایکل فرای و اریک گلدشتاین در سال ۲۰۰۲ میلادی چاپ و منتشر شده است.<sup>۵</sup>

وی در سرتاسر کتاب به سه حوزه سرمایه‌داری و بازارهای جهانی، روابط در حال تغییر بین دولت‌ها و مردم، و نحوه انجام و برقراری روابط بین‌الملل توجه ویژه‌ای دارد و این حوزه‌ها را مهم و از حوزه‌های تحت تأثیر جهانی شدن می‌داند.

کتاب حاضر فاقد یادداشت و ارجاع است و در آخر کتاب یک فهرست شامل ۴۱ عنوان کتاب برای مطالعه بیشتر خوانندگان ارائه شده است. کتاب دارای یک نمایه مشترک برای اسامی خاص و موضوعات می‌باشد.

### ب) معرفی نویسنده

پروفیسور ریچارد لنگهورن، متولد سال ۱۹۴۰ میلادی در اگزتر<sup>۱</sup>، انگلستان و فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشکده سنت جان کمبریج است. وی در فاصله سال‌های ۹۳-۱۹۷۵ در این دانشکده به تدریس اشتغال داشته و در سال‌های ۹۶-۱۹۹۳ مدیر مؤسسه ویلتون پارک، اداره امور خارجی و کشورهای مشترک‌المنافع انگلستان<sup>۲</sup>، بوده است. وی در حال حاضر

3- Rutgers University, New Jersey

4- Center for Global Change & Governance (CGCG)

۵- این قسمت با استفاده از اطلاعات حاصل از جست‌وجوی سایت اینترنتی کتابخانه کنگره

1- Exeter

2- Wiltonpark, Foreign & Commonwealth Office

جامعه جهانی، شرایط و موقعیت فعلی آن و جهانی شدن پدیده‌ها و عرصه‌های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی اختصاص یافته است. کتاب حاضر، در چنین بستر تاریخی به نگارش درآمده و از این رو، موضوع و مباحث اصلی آن را نمی‌توان حاوی ابداع و نسوآوری دانست. جهانی شدن یک مرحله جدید از تمدن بشری است و بدیهی است مقوله‌ای به این وسعت و عمق تاریخی و ساختاری مورد سوء فهم و تعبیر قرار گیرد. نویسنده برای مطالعه جهانی شدن دو دلیل مهم بر می‌شمارد. (ص ۱) به اعتقاد وی، فرآیند و تبعات جهانی شدن شیوه زندگی و عمل افراد و سازمان‌ها را - که به نوبه خود عامل شکل‌گیری و پیش‌بینی‌پذیری روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند - متحول می‌کند و دلیل دیگر وی، کج فهمی و سوء تعبیر ناشی از کاربرد وسیع و متفاوت اصطلاح جهانی شدن است. به نظر می‌رسد که اگر دلیل اول را بتوان نشان دهنده انگیزه نویسنده در مطالعات شخصی وی دانست، دلیل دوم را باید انگیزه نگارش کتاب حاضر به شمار آورد؛ کتابی که بازتاب تفکرات یک استاد با سابقه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و حاصل تأملات وی بر مطالعات و تألیفات افراد بی‌شماری است که البته در هیچ جای

### ج) بررسی و نقد کتاب

جهانی شدن، همچون پست مدرنیسم و جامعه اطلاعاتی، از جمله مفاهیم نظری جدید است که می‌کوشد تا جهان - زیست معاصر انسانی را توصیف و تبیین کند. نظریه پردازان و دانشمندان رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی در طول دو دهه گذشته، با هزاران کتاب، مقاله و سخنرانی کوشیده‌اند تا شرایط زندگی و عوامل مؤثر بر تفکر و عمل افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، جوامع، حکومت‌ها و در نهایت، کل جامعه جهانی را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در قالب نظریه‌های توصیفی و تبیینی قابل درک و فهم سازند. سیاستمداران، فعالان اجتماعی و صاحبان صنایع و سرمایه نیز از منظر عملی به جهانی شدن توجه داشته و در خصوص آن نظریه‌پردازی کرده و براساس تصور خود، در راستا یا در برابر آن، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نموده‌اند. این حجم وسیع از نوشته‌ها و گفته‌ها به علل و مراحل تاریخی ساختارمندی و درهم تنیدگی

(www.loc.gov) انتشارات الگرو

(www.palgrave.com) دانشگاه رانگروز

(www.rutgers.eolu) و مؤسسه کارنگی

(www.carnegie.org) تنظیم شده است.

تکنولوژی‌های ارتباطی جمعی و بین فردی و حتی ارتباطات از راه دور (مخابرات) نبوده و حمل و نقل (از طریق زمین، آب و هوا) را نیز در برمی‌گیرد.

نویسنده با رویکردی مک لوهانی به ارتباطات، اقدام به مرحله‌بندی نوآوری‌ها نموده و اختراع ماشین بخار و تلگراف را موجد مرحله اول جهانی شدن، اختراع تلفن و قرار دادن ماهواره‌های مخابراتی در مدار را عامل اصلی مرحله دوم و به کارگیری رایانه از دهه ۱۹۷۰ به بعد در تمام فناوری‌های ارتباطی را علت وقوع مرحله سوم می‌داند. در هر مرحله از توسعه فنی، جامعه دارای قابلیت‌ها و فعالیت‌های متفاوت بوده و در نتیجه، ماهیت سازمانی و نوع عملکرد واحدهای اقتصادی و حکومت دستخوش تغییرات مختلفی شده است. نویسنده تا آنجا پیش می‌رود که وقوع جنگ‌های محلی سده‌های گذشته و به‌ویژه دو جنگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به قابلیت‌های ایجاد شده توسط فناوری‌های ارتباطی نسبت می‌دهد.

«برای حدود یک‌صد سال از

۱۸۹۵ تا ۱۹۹۰، اندازه بهینه‌ای که

سیستم‌های ارتباطاتی اعمال

می‌کردند بر مسیری که سیاست

کتاب اشاره‌ای به نام و نظریات آنها نمی‌شود.

\* \* \*

همان‌گونه که خود نویسنده در پیشگفتار شرح می‌دهد، کتاب ظهور جهانی شدن پنج مبحث و محور اصلی را پی می‌گیرد. از این‌رو، این نقد و بررسی در پنج بخش متناظر به همراه یک جمع‌بندی مختصر ارائه می‌شود.

### ۱- بحث اول

لنگهورن جهانی شدن را "آخرین مرحله در تراکم طولانی پیشرفت‌های فنی (می‌داند) که انسان‌ها را قادر به انجام فعالیت‌هایشان در بهینه گیتی و فارغ از محدودیت به ملیت، قدرت حکومتی، زمان - روز یا محیط فیزیکی می‌کند". (ص ۲) به عبارت دیگر، تمام فعالیت‌های تجاری، مالی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی در محدوده زمانی و مکانی وسیع‌تری عملی می‌گردد و در نتیجه، به هم پیوستگی عناصر بیشتری را در جغرافیایی وسیع‌تر، ممکن می‌سازد. نویسنده به وضوح بر آن است که علت این تغییر بنیادین توسعه فنی سیستم‌های ارتباطی و ظهور فناوری‌های جدیدی است که انتقال سریع‌تر محصولات مادی، انسان‌ها و پیام‌ها به فواصل مکانی دورتر را عملی ساخته‌اند. توجه به این نکته مفید است که تعریف لنگهورن از ارتباطات، محدود به

کننده و به کار برنده فناوری‌ها است و فرهنگ و اراده فردی و جمعی در نوع تبعات واقعی نوآوری‌های دارای توان بالقوه، نقش تعیین کننده‌ای دارد.

## ۲- بحث دوم

به هر حال، نویسنده بر آن است که از دهه ۱۹۷۰ به بعد، ظهور فناوری‌هایی نظیر دورنگار، پخش مستقیم ماهواره‌ای و به‌ویژه اینترنت، یک "انقلاب واقعی" را به وجود آورده‌اند که همانند مرحله ماقبل آن، اندازه و حیطه فعالیت اقتصادی و سیاسی بشریت را گسترش داده است، اما برخلاف مرحله دوم، قدرت نظارت و کنترل حکومت‌ها و سایر سازمان‌های سرزمینی را افزایش نداده، بلکه به شدت سبب کاهش آن شده است. نویسنده در بخش اول از فصل دوم کتاب به تشریح اصلی‌ترین مسائل ناشی از جهانی شدن در عرصه اقتصادی و مالی می‌پردازد، هرچند خود معترف است که تمام عرصه‌های اجتماعی، وجودی در هم تنیده و تعاملی دارند و تفکیک یک عرصه از این میان کاری تصنعی (و در نتیجه سلیقه‌ای) است. به اعتقاد وی، انقلاب فناوری‌های ارتباطی و به‌خصوص اینترنت موجب شده تا فعالیت‌های اقتصادی در خارج از محدوده اثر سازوکارهای کنترلی و قانونگذاری

## جهانی در پیش گرفت، سلطه

داشت.» (ص ۶)

پروفسور لنگهورن در سرتاسر کتاب و به‌ویژه در فصل مقدمه که به علت‌شناسی مراحل جهانی شدن می‌پردازد، بدون واژه از متهم شدن به جبرگرایی فنی، سیاست داخلی (تقویت نظام‌های لیبرالی و ظهور حکومت‌های تمامیت‌خواه) و همکاری یا منازعه بین‌المللی (معاهدات، راه‌اندازی سازمان‌های بین‌المللی، جنگ، رقابت تسلیحاتی و غیره) را به سطح توسعه فناوری‌ها منتسب می‌کند و با این اقدام، سؤال‌های بسیاری را بدون پاسخ وا می‌نهد. وی زبان علمی را رعایت نمی‌کند و نقش عوامل غیرفنی نظیر فرهنگ سیاسی، مذهب، ایدئولوژی، آرمان‌های انسانی را در تولید فناوری‌ها و مهمتر از آن، در به کارگیری آنها به‌طور کامل نادیده می‌گیرد. بسیاری از دانشمندان نیز مانند اورت راجرز، آنتونی گیدنز، یورگن هابرماس، دنیس مک کوایسل و امانوئل کاستلز در نوشته‌های خود به‌طور مکرر بر آن پای فشرده‌اند و بر این باور بوده‌اند که برای اجتناب از جبرگرایی فنی و نسبیت‌گرایی مطلق، باید نقش علل و عوامل فنی و انسانی را مکمل یکدیگر دید و آنها را نه با یک روایت تاریخی، بلکه به‌صورت یک فرآیند نگریست. در این نگرش، جامعه ایجاد

افزایش سهم "دانش" در مقابل "اشیاء" از ثروت اقتصادی تولید و مصرف شده است. فعالیت‌های اقتصادی نیز گسترش جهانی بیشتری یافته‌اند و تمرکز فعالیت‌های خاص اقتصادی به‌طور همزمان، در درون و بین کشورها نیز افزایش داشته است. در نتیجه این تغییرات، ائتلاف و همکاری بین و درون شرکت‌ها، بین حکومت‌ها، و بین شرکت‌ها و سازمان‌های غیربازار در سیستم اقتصاد جهانی اهمیتی بیش از پیش یافته است. (ص ۱۸)

تسریع و تسهیل جریان بین‌المللی و جهانی سرمایه، کالا، خدمات، فناوری و اطلاعات، افزایش تنوع و حجم مبادلات و معاملات را در پی داشته است و به‌عنوان مثال، بانکداری و بازار بورس را از حیطة کنترل حکومت‌ها و سازمان‌های ملی خارج نموده و به عرصه‌ای جهانی و دارای بازیگران بی‌شمار کشانده است؛ تغییری که نویسنده آن را سرزمین‌زدایی<sup>۱</sup> می‌نامد. شکنندگی نتیجه فعالیت در محیطی سیال است و عوامل بی‌شماری دارد و ورشکستگی شرکت‌ها و خطر سقوط اقتصادهای ملی فاقد انعطاف و توان رقابت، تبدیل به واقعیت اقتصادی در جهان معاصر شده است. به اعتقاد مؤلف،

حکومت‌های ملی و حتی شرکت‌های خصوصی ملی و بین‌المللی انجام گیرند:  
**«مردم عادی نیز وارد میدان شده‌اند»** و روابط بین افراد می‌تواند به‌طور مستقیم و افقی، فارغ از سلطه منابع قدرت سازمانی، برقرار گردد. (ص ۱۵)

البته عدم دسترسی بخش زیادی از جمعیت جهان به اینترنت باعث افزایش فزاینده شکاف اطلاعاتی و امکاناتی در سطح محلی، ملی و جهانی می‌شود و مبارزه با آن و تبعات ناشی از آن، وظیفه سنگینی است که بر عهده حکومت‌های آتی قرار دارد.

به اعتقاد لنگهورن، دسترسی و بهره‌وری بخش محدودی از جمعیت جهان به اینترنت، تولید و مصرف اقتصادی یا به عبارت دیگر، بازار و سرمایه جهانی را در راستای سرمایه‌داری جهانی متحول ساخته است. این تغییرات در شرایطی اتفاق افتاده‌اند که:

**«به‌طور آشکار سرمایه‌داری جهانی قرین پیروزی شده و تقریباً تمام کشورها سیاست‌های اقتصاد مبتنی بر بازار را همراه با آزادسازی و مقررات زدایی پیگیری می‌کنند...»** (ص ۱۶)

یکی از تبعات فناوری‌های ارتباطی

## 1- Deteritorialization

فلسفی آن) می‌شود، بدون آنکه تفکیک ضروری در این خصوص ارائه شده باشد. از سوی دیگر، وی نقش سطح توسعه سیاسی و فرهنگی جهانی و تمایل منفعت‌طلبانه یا بشردوستانه برای گسترش همکاری و ساختارسازی اقتصاد جهانی را نیز نادیده گرفته و تمام پدیده‌های متعلق به عرصه‌های زندگی بشری را به عامل انحصاری و مسلط فناوری‌های ارتباطاتی "تقلیل می‌دهد.

### ۳- بحث سوم

لنگهورن در بخش دوم از فصل دوم کتاب، به سومین محور از مباحث پنجگانه خود می‌پردازد:

*«اثرات جهانی شدن بر حکومت و مردم و نوع عکس‌العمل آنها در برابر جهانی شدن، انقلاب به وجود آمده در فناوری و سیستم‌های ارتباطی جهانی، سازمان‌ها را از جنبه سرزمین رهانیده و فعالیت آنها را جهانی کرده است درحالی‌که افراد (به‌عنوان پایه‌ای‌ترین عامل جهان انسانی) در محدوده مکان و محل باقی مانده‌اند.» (ص ۳۶)*

حکومت و دولت (و مفاهیم متعارف وابسته نظیر قدرت، مشروعیت، مدیریت

نهادهایی مانند حکومت‌های ملی، شرکت‌ها و صنایع، از نظر ماهیتی ساختاری عمودی یا هرمی شکل دارند؛ درحالی‌که جهانی شدن روابط افقی را برقرار ساخته و در نتیجه یک تضاد بزرگ بین فعالیت‌های اقتصادی انجام شده و ساختارهای سیاسی و اقتصادی به جا مانده از دهه‌های گذشته را به وجود آورده است:

### *«تضادی که کارآیی ساختارها*

*برای مدیریت نیروها و فرآیندهای جاری را زیر سؤال می‌برد. لنگهورن بر آن است که مدیریت مؤثر اقتصاد جهانی مستلزم یک ترکیب متوازن از نمایندگی خرده‌ملی، ملی و جهانی در سازمان‌هایی کاملاً جهانی است.» (ص ۳۵)*

هرچند نظریات و مباحث وی بسیار مفید می‌باشد، اما حاوی چند قضاوت سلیقه‌ای و حتی عجولانه است. تغییرات اقتصادی معاصر را نمی‌توان صرفاً به فناوری‌های ارتباطاتی و نوآوری‌های ایجاد شده در آن منتسب نمود. وی حتی فناوری‌های صنعتی غیرارتباطاتی و نوآوری‌های بی‌شمار و مداوم آن را نادیده گرفته و آن چنان تعریف وسیع و سیالی از ارتباطات (به‌طور ابهام‌آمیز) به کار می‌برد که شامل اطلاعات (آن هم در وسیع‌ترین تعریف

عمومی و وفاق) در برابر خیزش‌هایی آرام یا خشونت‌بار و انقلابی قرار گرفته‌اند. به اعتقاد نویسنده، جهانی شدن نتیجه عمل افراد و سازمان‌ها برای گسترش روابط و تعاملات افقی و خارج از محدوده سرزمینی است. در نتیجه، سازمان‌های عمودی و حکومت‌های ملی سلطه خود را از دست می‌دهند. حکومت‌های ملی در تنظیم امور اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و اجتماعی مردم نقش تعیین کننده و انحصاری داشتند و دموکراسی سیاسی به معنای مشارکت مردم در این فرآیند بوده است. اما جهانی شدن اقتصاد (صنایع، سرمایه و بازار)، محصولات و پیام‌های فرهنگی (تفریحی، خبری و اطلاعات) و شکل‌گیری هویت‌های نژادی و قومی جدید (به دلیل تسهیل مهاجرت فرامرزی) پایگاه حکومت‌ها و در نتیجه مفهوم و سازوکارهای شناخته شده دموکراسی مستقیم و انتخاباتی را متزلزل کرده است. به اعتقاد نویسنده، ظهور قدرت‌های فراملی و بین‌المللی (نظیر بانک جهانی و کمیسیون اروپایی) فاصله مردم با مراکز سیاست‌گذاری را افزایش می‌دهد و با تقلیل امکان نظارت عمومی و گفت‌وگویی چند جانبه، ماهیت دموکراتیک بازیگران جهانی را به سؤال مهم تبدیل می‌کند. به عبارت ساده، بسیاری از عناصر اثرگذار در شرایط زندگی مردم و حتی ملت‌ها یا اصلاً انتخاب

نمی‌شوند و تحت نظارت و کنترل عمومی قرار ندارند و یا آنکه با سازوکارهای گزینشی چند مرحله‌ای و در نتیجه روابط بسیار پیچیده برگزیده می‌شوند. ظاهراً در هر دو حالت فوق، مردم قدرت خود را به نفع بازیگران جهانی فاقد مسئولیت از دست می‌دهند. حکومت‌های ملی نیز با تعارض عمل به الزامات ناخوشایند جهانی شدن یا مقاومت در برابر آن و در نتیجه از دست دادن منافع ناشی از آن دست به گریبان‌اند. هر کدام از استراتژی‌های فوق، حداقل در کوتاه مدت، سقوط شدید مشروعیت و قدرت حکومت‌های ملی را در پی خواهد داشت.

در این بخش از کتاب، مباحث بسیار ارزنده و آموزنده‌ای ارائه می‌شود و نویسنده دلایل و تبعات واگذاری بخشی از حاکمیت ملی به بازیگران جهانی را شرح می‌دهد. اما کمبود اصلی مباحث فوق را باید در پیچیده‌تر شدن ساختار حاکمیت ملی و واگذاری حق حاکمیت به اجزاء درون ملی (اقوام، شهرها، گروه‌ها و ...) یافت. هم‌چنین نویسنده کتاب نقش نهضت‌های مدافع محیط زیست، گروه‌های قومی و نژادی، توسعه ساختارهای معطوف به تعمیق دموکراسی محلی، فمینیسم و اشکال متعدد جنبش‌های مذهبی را نادیده گرفته است.



#### ۴- بحث چهارم

فصل سوم کتاب ظهور جهانی شدن، یک بخش نسبتاً طولانی را به خود اختصاص داده و شامل چهارمین محور از مباحث لنگهورن است: "روابط بین دولت‌ها درون سیستم‌ها و سازوکارهای روابط بین‌الملل".

نویسنده بر این باور است که ماهیت و جایگاه روابط بین‌الملل و سازمان‌های جهانی در حال تغییر و حتی افول است و علت اصلی آن را باید در تغییر ماهیت حکومت‌ها و دولت‌ها - که عناصر و بازیگران اصلی سازمان‌های جهانی را تشکیل می‌دهند - دانست. سازمان‌های جهانی (نظیر سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان ملل و ده‌ها سازمان عمده دیگر) و سازمان‌های منطقه‌ای (مانند نفتا و کمیسیون اروپا)، محصول تکامل جهانی مدل دولت - ملت‌ها در طول ۲۵۰ سال گذشته بوده‌اند و با توافق کشورهای عضو، به تعیین اصول و قواعد معاملات و معاهدات بین‌الملل و حتی بسیاری از امور داخلی کشورها می‌پردازند.

نویسنده بر آن است که توسعه حوزه‌های فعالیت و سازمان‌های افقی باعث افزایش نقش سازمان‌های غیردولتی (NGOs) - به اعتقاد وی "سازمان‌های خصوصی" شده و در نتیجه، حکومت‌ها به دیپلماسی سنتی

کمتری بین خودشان نیاز دارند و در عین حال، باید دیپلماسی مشارکتی بیشتری را بین خودشان و نیز در تعامل با منابع جدید قدرت و نفوذ به کار گیرند. تغییر ایجاد شده نیز با بهبود روش‌ها و عملکردها محقق نخواهد شد بلکه ایجاد تغییر در سیستم نمایندگی حکومت‌ها و روابط بین‌الدولی را الزامی می‌کند.

زمان حاضر از نظر لنگهورن، دوران انتقالی است و در نتیجه حوزه‌های جدید فعالیت فاقد سیستم کنترل جهانی است و نظام‌های در حال ایجاد هم هنوز به مرحله بلوغ و کارآیی کامل خود نرسیده‌اند. در این شرایط، ساختار و عملکرد سیستم‌های ملی و بین‌المللی "سیاست خارجی" کشورها (وزارت امور خارجه و شبکه نمایندگی‌ها و فعالیت‌های دیپلماتیک آن) با چالش‌های جدی روبرو شده است. این سیستم‌ها، همانند سازمان‌های خصوصی، در شرایط حاصل از جهانی شدن عمل می‌کنند و مجبور به همکاری و هماهنگی با سایر حکومت‌ها، رسانه‌های خبری، سازمان‌های خصوصی، افکار عمومی جهانی و منابع دیگر قدرت و نفوذاند. از جمله نتایج شرایط موجود، از بین رفتن تفکیک و تمایز در بین حوزه‌های مختلف فعالیت بوده است: کمک‌های بشردوستانه بدون ملاحظات سیاسی ممکن

نمی‌شود؛ روابط سیاسی بدون روابط اقتصادی و فرهنگی برقرار نمی‌گردد؛ و هیچ رابطه یا فعالیتی بدون در نظر گرفتن فشار ناشی از جهت‌گیری افکار عمومی داخلی و جهانی امکان وقوع یا تداوم را ندارد.

مفاهیم و روش‌ها و نتایج جنگ و صلح نیز متحول شده‌اند. نویسندگان با بررسی نسبتاً طولانی از مراحل مختلف جنگ و صلح در سده‌های گذشته، نتیجه می‌گیرند که جنگ‌های جدید می‌توانند با علت‌هایی متفاوت از گذشته و با شیوه‌هایی متفاوت آغاز شوند: جنگ‌هایی بهره‌مند از فناوری نظامی بالا و حملات محدود اما مؤثر. سازوکارهای بین‌المللی موجود برای حل درگیری‌ها و حفظ صلح نیز کارایی خود را از دست داده‌اند و حتی سازمان ملل به تغییر و اصلاح بسیار نیاز دارد تا بتواند نقش نیم قرن گذشته‌اش را در آینده ادامه دهد.

## ۵- بحث پنجم

جهانی شدن، توسعه دموکراسی ملی و جهانی را الزامی کرده است. ساختارهای عمودی سنتی - حتی مدل‌های دموکراتیک و انتخابی - مشروعیت عمل داخلی و بین‌المللی خود را به تدریج از دست می‌دهند و تضمین مشروعیت و نیل به موفقیت آنها در گرو

گسترش همکاری با مجموعه وسیع‌تری از بازیگران افقی و عمودی، داخلی و بین‌المللی، متعلق به عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. شرکت‌های جهانی، سازمان‌های بشردوستانه، اتحادیه‌های مدافع محیط زیست، افکار عمومی، رسانه‌های جمعی و بسیاری از بازیگران غیرحکومتی دیگر، وارد عرصه اثرگذاری شده و صاحب بخشی از قدرت شده‌اند. نظام ملی و بین‌الملل متناسب با عصر جهانی شدن ایجاد نشده و در نتیجه، حوزه‌های فاقد حاکمیت و یا حاکمیت‌های فاقد حوزه عمل به وجود آمده است. تأخیر زمانی ساختارسازی متناسب برای کنترل تبعات جهانی شدن، سبب تشدید چالش‌ها و مخاطرات آن می‌گردد. نویسندگان در جای جای کتاب، به‌عنوان آخرین محور از مباحث خویش، به این چالش‌ها می‌پردازد: خطر سقوط بازارهای جهانی، افزایش احتمال اوج‌گیری خشونت‌های سیاسی و اجتماعی، خطر وقوع جنگ‌های جدید، تضعیف حکومت‌های ملی و سازمان‌های بین‌الدولی، افزایش فزاینده نابرابری در توزیع جهانی امکانات و ثروت، در زمره این چالش‌ها ارزیابی می‌شود.

### نتیجه‌گیری

کتاب ظهور جهانی شدن، ماحصل تأملات یک استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در حوادث و سیستم‌های جهان معاصر است. در نتیجه، بسیاری از مباحث به شیوه‌ای گزینشی و براساس تخصص و علاقه نویسنده ارائه می‌گردد. همان‌گونه که وی نیز ادعا نمی‌کند، کتاب حاوی نظریات متعارض موجود در خصوص ماهیت، تعریف، مراحل یا نتایج جهانی شدن نیست. کتاب به شکل رساله‌ای بدون ارجاع و حتی طبقه‌بندی و تعریف مفاهیم اصلی نوشته شده است.

هرچند لنگه‌ورن می‌کوشد تا تفسیری از علل و نتایج جهانی شدن ارائه کند، اما تقریباً بحث بدیع و جدیدی ندارد و نمی‌توان آن را در بردارنده نظریه یا حتی یک مفهوم و فرضیه نو برای تقویت درک بشر از چرایی و چگونگی جهان - زیست معاصر دانست. نویسنده در موارد بسیاری از زبان و نگارش غیرعلمی بهره می‌گیرد و گذشته از آن، تقلیل‌گرایی و جبرگرایی فنی نیز باعث ساده‌سازی بیش از حد و سست شدن پایه‌های نظری مباحث طرح شده می‌گردد.

دکتر مهدی منتظرانم



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی